

## Imamzadeh Zeinabiyeh of Isfahan from discovery to connection through the lens of documents

A'bdolmahdi Rajayi<sup>1</sup>

### Abstract

Imamzadeh Bibi Zeinab or Zeinabiyeh of Isfahan according to a legend is the daughter of Imam Musa Kazem (a.s.), which is located in the north of the city of Isfahan. Recently, Imamzadeh mansion and courtyard have been completely renovated and it is supposed to find a special place in the religious tourism of Isfahan. In this article, referring to the remaining documents and some press texts and books, it has examined parts of the history of the discovery and connection of this Imamzadeh to the urban context of Isfahan and finally, we will find that this imamzadeh has quickly gained a place among the people of Isfahan city and has been noticed by them; To such an extent that the large-scale movement of people to this Imamzadeh, which was located six kilometers from the city, forced public institutions and government agencies to make a decision to modify the transportation route and improve it. Since this article is based on documents, it presents the most accurate and reliable report of the mentioned developments, and through its lines, the extraordinary interest of the people of Isfahan towards this imamzadeh can be understood.

**Keywords:** Imamzadeh Zeinabiyeh, Isfahan municipality, Pahlavi era.

The first year|

Number two|

Winter 2023|

---

1. PhD in local history and researcher of Isfahan history  
M350323@gmail.com

## بنت الامام زينب أصفهان من الاكتشاف إلى الاتصال من خلال نافذة الوثائق

عبد المهدي رجائي<sup>١</sup>

### الخلاصة

بنت الامام السيدة زينب أو الزينبية أصفهان حسب الرواية هي ابنة الإمام موسى كاظم عليه السلام وتقع في شمال مدينة أصفهان. في الآونة الأخيرة تم تجديد بنائه و صحن بنت الامام بالكامل و من المفترض أن يجد مكانة خاصة في السياحة الدينية في أصفهان. في هذا المقال و من خلال الإشارة إلى الوثائق المتبقية و بعض النصوص و الكتب المطبوعة قمنا بدراسة أجزاء من تاريخ إنشاء و ارتباط بنت الامام هذه بالسياق الحضري لأصفهان، و أخيراً سنجد أن هذه بنت الامام قد اكتسبت بسرعة مكانة ملحوظة عند سكان مدينة أصفهان. لدرجة أن حركة الناس على نطاق واسع إلى هذه البقعة التي تقع على بعد ستة كيلومترات من المدينة، أجبرت المؤسسات العامة و الهيئات الحكومية على اتخاذ قرار بتعديل و تحسين طريق النقل. و بما أن هذه المقالة تعتمد على الوثائق، فإنها تقدم التقرير الأكثر دقة و موثوقية للتطورات المذكورة من خلال سطورها، و يمكن فهم العلاقة الوثيقة لسكان أصفهان بهذه بنت الامام.

**الكلمات المفتاحية:** أصفهان، بنت الامام زينب، بلدية أصفهان، العصر البهلوي



فصل نامه  
علمي  
مطالعات  
بفتاح و  
امكان  
متبركه

## امامزاده زینبیه اصفهان از اکتشاف تا اتصال از دریچه اسناد

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۳۰

عبدالمهدی رجایی<sup>۱</sup>

### چکیده

امامزاده بی‌بی زینب یا زینبیه اصفهان بنا به نقلی دختر امام موسی کاظم ع می‌باشد که در شمال شهر اصفهان قرار دارد. اخیراً عمارت و صحن امامزاده بازسازی کلی شده و قرار است آنجا جایگاه ویژه‌ای در گردشگری مذهبی اصفهان پیدا کند. در این مقاله با مراجعه به اسناد بر جای مانده و بعضی متون مطبوعاتی و کتب، بخش‌هایی از تاریخ‌پیدایی و اتصال این امامزاده به بافت شهری اصفهان را بررسی کرده و در نهایت خواهیم یافت که این امامزاده به سرعت در میان مردم شهر اصفهان جا باز کرده و مورد توجه آن‌ها قرار گرفته است به حدی که رفت و آمد پرحجم مردم به این امامزاده که در شش کیلومتری شهر قرار داشت، نهادهای مردمی و دستگاه‌های دولتی را وادار به تصمیم‌گیری برای اصلاح راه مواصلاتی و بهسازی آن کرد. این مقاله از آنجا که بر مبنای اسناد قرار دارد، صحیح‌ترین و قابل اعتمادترین گزارش را از تحولات مذکور ارائه داده و می‌توان از خلال سطور آن علاقه فوق‌العاده مردم اصفهان به این امامزاده را دریافت.

**کلیدواژه:** اصفهان، امامزاده زینبیه، شهرداری اصفهان، دوران پهلوی



## مقدمه

درباره کشف این امامزاده در میان کتب اطلاعاتی چندی آمده است. مثلاً شخصیت رجالی و تیزبین، مصلح الدین مهدوی در کتاب «خواهر آفتاب» داستان اکتشاف امامزاده را چنین روایت می‌کند که در ذیحجه ۱۳۵۱ مصادف با فروردین ۱۳۱۱ حاج سید سعید طباطبایی نائینی که به مشهد مقدس مهاجرت کرده بود، به نمایندگی از سوی شیخ عباس قمی به اصفهان آمد با این مأموریت که شیخ به او گفته است در نسخه ای از کتاب «المجدی فی انساب الطالبین»<sup>۱</sup> این عبارت نوشته شده است «سَمِعْتُ عن الامیر محمد هادی بن الامیر لوحی المورخ انّ بیجه زینب المدفونه فی قریه ارزنان من قری اصفهان هی بنت موسی الکاظم ص» شیخ عباس قمی از سید سعید طباطبایی می‌خواهد که تحقیق کند آیا چنین قبر و قریه‌ای در اصفهان اکنون موجود می‌باشد یا خیر و مطلب را به او گزارش دهد. (مهدوی، ۱۳۹۶: ۲۵)

مرحوم حاج سید سعید طباطبایی با عده‌ای از آگاهان موضوع را بررسی کرده و معلوم گردید «۱. روستای ارزنان از جمله روستاهای قهاب در شمال اصفهان است که به فاصله تقریباً پنج کیلومتری شهر قرار دارد. ۲. مقبره‌ای با صحن و گنبد آجری در آنجا به نام «بچه زینب» در سمت مغرب جاده موجود و میان اهل محل و دیگران منسوب به حضرت موسی بن جعفر است.» (مهدوی، ۱۳۹۶: ۲۵)

اما واکنش مردم اصفهان در برابر این پدیده چه بود؟ «این خبر در شهر اصفهان منتشر شد و مردم مسلمان و معتقد و دوستدار خاندان عصمت و طهارت به منظور درک فیض زیارت و همچنین برای تحقیق در اصل موضوع بدانجا روی آوردند و هر روز جمعیت زائران زیادتر می‌شد و مردم از شهر و روستاها بدان محل روی می‌آوردند و مقبره‌ای که سال‌ها در غربت و گمنامی و بی‌توجهی قرار گرفته بود، رونق یافت و عده‌ای به عنوان خدمه و زیارتنامه خوان به خدمت در آنجا مشغول شدند. عده‌ای از علما و فضلا و مجتهدان اصفهان نیز به اعتبار فرمایش مرحوم حاج شیخ عباس قمی، این نسبت را بدون تأمل پذیرفتند» (مهدوی، ۱۳۹۶: ۲۶) پس امامزاده زینبیه در سال ۱۳۱۱ شمسی درست در اواسط حکمرانی رضاشاه پهلوی در شمال اصفهان پیدا شد. جلال همایی راجع به استقبال مردم اصفهان از این امامزاده، آن را برای مردم اصفهان، مثل شاه عبدالعظیم برای مردم تهران دیده است «بغتاً در ماه ذی‌حجه سال مزبور ۱۳۵۱ ق / ۱۳۱۱ ش اشتها عجیب یافت که بچه زینب عبارت است از زینب دختر حضرت موسی الکاظم... و از آن تاریخ به بعد مورد توجه عامه اهالی واقع شد تا در حال حاضر تقریباً نظیر حضرت عبدالعظیم ری نسبت به مردم تهران شده است.» (همایی، ۱۳۸۱: ۸۵)

## ۱. ساخت و ساز عمارت بقعه

پیش از آن که انتساب صاحب قبر به زینب دختر امام موسی کاظم علیه السلام اعلان شود، آنجا مقبره گمنامی بود در درون اتاقکی کوچک و این عمارت و خشت و گلی یک بازسازی بزرگ را در سال ۱۳۲۴

۱. کتابی به زبان عربی، نوشته علی بن محمد علوی عمری در موضوع علم الانساب متعلق به قرن پنجم هجری قمری است. مؤلف در این اثر به اعقاب علویان و طالبیان بخصوص امیرالمؤمنین و فرزندان او پرداخته است. علی بن محمد، ملقب به نجم‌الدین و دارای کنیه ابوالحسن و شهرت ابن صوفی (حدود ۳۹۰-۴۴۰ ق) بود و نسب وی به عمر فرزند علی ع می‌رسید. او نسب شناس شیعی بود. (ویکی شیعه، ذیل مدخل المجدی)

ش تجربه کرد. یکی از خیرین دست به جیب شد و بقعه و صحن را بزرگ کرد. به قول جلال همایی «اساس بقعه و صحن و دستگاه مجلل فعلی در سال ۱۳۵۱ ق / ۱۳۱۱ ش ریخته و روز به روز افزوده شد تا بنیاد نهایی گنبد و ایوان رفیع و مناره به همت آقای حاج میرزا محمد کازرونی<sup>۱</sup> فرزند مرحوم حاج محمدحسین کازرونی از ثروتمندان نامدار اصفهان در سال ۱۳۶۴ ق / ۱۳۲۴ ش طرح و در سال بعد اتمام یافت. پیش از سال ۱۳۵۱ ق / ۱۳۱۱ ش در این محل صحن محقر و بقعه و گنبد آجری کوچکی بود که آن را عامه بچه زینب (پنجه زینب) می‌گفتند و صحیح آن بیجه زینب است» (همایی، ۱۳۸۱: ۸۵) به طور کلی تغییرات بقعه، گسترش حرم و صحن زینبیه تا قبل از سال ۱۳۴۵ ش چنین بود: «صحن جدید در زمینی به مساحت ۸۸۰۳ متر مربع به شکل مربع، متشکل از حیاط و باغچه به مساحت ۴۰۴۰ متر مربع و بنای حرم و رواق‌ها در وسط صحن قرار گرفته و از چهار سمت درب باز شد که درب اصلی در ضلع جنوبی ساخته شد و ۵۷ اطاق جهت استراحت زوار و مقبره خصوصی در ابعاد ۵×۳ در اطراف صحن در یک طبقه و با یک سالن در ضلع غربی به مساحت ۷۲۰ متر مربع و سرویس‌های بهداشتی ساخته شد» (سجادی، ۱۳۸۹: ۱۵۳)<sup>۲</sup>

## ۲. گذری بر اسناد

آیا بجز کتب بالا، سند دیگری نیز از ماجرای اکتشاف امامزاده و استقبال شدید مردم اصفهان موجود است؟ در میان اسنادی که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی نگهداری می‌شود، سندی است که نشان می‌دهد رئیس نظمیۀ اصفهان در همان زمان یعنی در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ ماجرا را برای استاندار اصفهان شرح داده و جزئیات را باز گفته است. وی در گزارش خود آورد: «چندی قبل اطلاع رسید که حاجی سید سعید کتایفروش به قریه ارزنان<sup>۳</sup> خارج شهر رفته و امامزاده‌ای در آنجا کشف و معلوم داشته متعلق به زینب دختر موسی بن جعفر علیه السلام است. و به سایرین خبر داده. جمعی از اهالی همه روزه به محل مزبور می‌روند. مشارالیه را حاضر و تحقیقات به عمل آورده، اظهار می‌دارد: چون آقا شیخ حسین کتایفروش که از طهران می‌آمده، در قم آقا شیخ عباس محدث قمی به او اظهار کرده بود چنین خبری در کتاب انساب دیده‌ام و شما قضیه را در اصفهان تحقیق نمایید. چند روز قبل به اتفاق مشارالیه به محل رفته و از آثار و قرائنی که مشاهده شد خبر مزبور تأیید گردید. چون در تحقیقات معلوم گردید نظریه خاصی در این موضوع نداشته است، از تعقیب آن خودداری به عمل آمد.» رئیس نظمیۀ اصفهان (مُهر اداره نظمیۀ) (ساکما، ۰۰۳۳۴۸ / ۲۹۱)

۱. از میان فرزندان حاج محمدحسین کازرونی، میرزا محمد بیش از دیگران به امور خیر می‌پرداخت. یک نمونه در سال ۱۳۱۴ پل شهرستان را که رو به انهدام و ویرانی کامل می‌رفت، به هزینه خود مرمت نمود. روزنامه اخگر در گزارشی از این اقدام وی نوشت «چندی قبل شنیدم که یک نفر از اهل خیر، که مخصوصاً تظاهری در انجام این گونه امور ندارد، شروع به ساختمان پل‌های زیبای شهرستان کرده است. باور نمی‌کردم. بالاخره به کرات این موضوع را شنیدم و مخصوصاً دانستم که این امر خیر به دست آقای محمد کازرونی، که از صالح‌ترین فرزندان مرحوم کازرونی است و به همین جهت مورد تکریم و احترام اخوان خود نیز می‌باشد، انجام می‌گیرد.» (روزنامه اخگر، ش ۱۰۸۲، ۱ آبان ۱۳۱۴)

۲. راجع به مشارکت مردم در امر ساخت بقعه زینبیه، ذکر یک نکته ضروری است این که به دلیل پردست انداز بودن راه بین شهر تا زینبیه، امکان حمل آجر با کامیون وجود نداشت، لذا اصحاب خیر که می‌خواستند در ساخت و ساز شرکت کنند آجرهای خریداری شده خود را در ابتدای جاده در فلکه طوقچی می‌ریختند، و مردمی که اغلب با پای پیاده یا با چهارپای این مسیر را می‌پیمودند، هر کدام چند آجر را با خود برداشته به محل بقعه می‌رسانیدند. (مصاحبه با پوریای ولی، ۱۴۰۳)

۳. در متن سند اشتباهی به صورت «ارض نان» آمده است.



به نظر می‌رسد گزارش سند با گزارشی که مهدوی ابراز داشته است، کمی متفاوت باشد. اول این که واقعه بر اساس سند در اواخر سال ۱۳۱۱ یا اوایل سال ۱۳۱۲ اتفاق افتاده است. یعنی واژه «چند روز قبل» به ما می‌گوید واقعه کشف امامزاده در همین نزدیکی‌ها اتفاق افتاده است. (از یاد نبریم که نگارش گزارش نظمیه در ۹ اردیبهشت ۱۳۱۲ است) نکته دوم شخصی که مورد خطاب و «مأموریت» شیخ عباس قمی قرار گرفته حاج سید حسین طباطبایی نائینی شخصی بوده است و نه سید سعید<sup>۱</sup>. نکته سوم هم این که نظمیه اصفهان «نظریه خاصی» در این موضوع نمی‌بیند یعنی آن چنان به این واقعه مشکوک نمی‌شود. اما درست یک هفته بعد معلوم می‌شود که این امامزاده جدیدالتأسیس هم مشکلات خود را دارد. در آن زمان نظمیه اصفهان به دستور دولت مرکزی به شدت از «قمه زدن» در ایام و مراسم محرم جلوگیری می‌کرد. این ممانعت در سال‌های بعد گسترش پیدا کرد.

به هر حال در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۱۲ مصادف با دهم محرم ۱۳۵۲ (روز عاشورا) ریاست نظمیه اصفهان گزارش دیگری برای حکمران اصفهان نوشت که خبر از آن می‌داد که در روز عاشورا عده کثیری از مردم محلات مختلف شهر به سوی امامزاده بی‌بی زینب هجوم آورده در آنجا مشغول عزاداری شده و خیال قمه زدن دارند «طبق اطلاعی که به وسیله کمیساریای ناحیه ۳ رسیده، قریب پنج شش هزار نفر جمعیت در قریه ارزنان که تقریباً یک فرسخ و کسری تا شهر مسافت دارد و معروف به امامزاده بی‌بی زینب می‌باشد، مجتمع و جمعی نیز از محله خوابجان و پایین دروازه به قریه مزبور رفته و خیال قمه زدن در آنجا را دارند. اطلاعاً معروض گردید» (ساکما، ۰۰۳۳۴۸ / ۲۹۱) این گزارش را «یاور محمودی» از طرف رئیس نظمیه امضا کرده است.

دو سند بالا نشان می‌دهد با آن که فاصله این بقعه از شهر طولانی بود (حدود شش کیلومتر جاده خاکی از مرز شمالی شهر که میدان طوقچی بود) و اصلاً راه مناسبی هم در این میان قرار نداشت، اما به فاصله چند هفته بعد از کشف امامزاده، توده مردم شهر و هیأت‌های عزاداری، این راه طولانی را بر خود هموار کرده و ترجیح دادند روز عاشورا در آنجا به عزاداری مشغول گردند.

### ۳. موضوعی به نام راه زینبیه

درست پنج ماه بعد از واقعه عاشورا که در بالا به آن اشاره شد، از یک متن مطبوعاتی معلوم می‌شود که زینبیه هنوز هم مورد اقبال مردم شهر قرار دارد و این قضیه منحصر به روز عاشورا نبوده است. جمعیت زیادی از مردم شهر روزهای پنجشنبه و جمعه را به زیارت امامزاده می‌رفتند، به طوری که اتوبوس‌هایی برای ایاب و ذهاب مردم به کار افتاده بود. از همین زاویه موضوع راه اتصال به آن محل مورد توجه افکار عمومی و مطبوعات قرار گرفت. روزنامه اخگر که در این زمان در اصفهان و به مدیریت امیرقلی امینی انتشار می‌یافت در مهر ۱۳۱۲ نوشت «شما معتقد هستید یا نیستید، حق یا باطل، عجالتاً زینبیه یکی از امامزاده‌های معتبر اصفهان به شمار می‌رود. روزهای پنج‌شنبه و جمعه که می‌شود، چندین هزار نفر زائر به زیارت این مکان مقدس می‌روند. ولی از چه راه؟ از راهی که خراب‌ترین و خطرناک‌ترین راه‌هاست. از همان راهی که هفته گذشته یک اتوبوس برگشته، شش

۱. گویا سید سعید و سید حسین با هم برادر بودند.

نفر را مجروح نموده است.» (روزنامه اخگر، ش ۸۸۵، ۲۰ مهرماه ۱۳۱۲) او می‌پرسید ساختن این راه را چه کسی متقبل می‌شود؟ شهرداری یا اداره راه یا خود مردم؟ و پیشنهاد می‌کند حاکم که بعدها استاندار نامید شد، باید تکلیف این امر را روشن نماید «ساختن این راه به عهده کیست؟ به عهده بلدیہ یا اداره؟ طرق یا خود مردم است؟ معلوم نیست. مگر این که حکمران معظم اصفهان، با آن فکر صائب و اراده محکمی که دارند، در مقام برآمده، بدو معین فرمایند که بلدیہ یا طرق یا مردم کدام یک باید به شوسه کردن این راه بپردازند و سپس وظیفه هر یک از آن‌ها شد، او را وادار به انجام وظیفه خود بنمایند و موجبات آسایش عابریں این سبیل خطرناک را فراهم نمایند. (روزنامه اخگر، ش ۸۸۵، ۲۰ مهرماه ۱۳۱۲) چنان که می‌دانیم و بعداً هم خواهیم دید، راه‌های داخل شهر با شهرداری و راه‌های خارج شهر با اداره راه یا به بیان آن روز اداره طرق بود.

در سال ۱۳۱۷ برای مدیریت و عمران فضای خارج از شهرها، در مقابل شهرداری، بخشداری‌ها هم تشکیل شده بودند. بخشداری‌ها آبادی‌های اطراف و بلوکات را مدیریت می‌کردند. همچون انجمن شهر، نهادی به نام «شورای بخش» هم برپا شده بود که یک شورای مشورتی بود. گویا در جلسه شورای بخش تصمیماتی راجع به راه زینبیه گرفته شده بود که در قالب راه برخوردار تعریف می‌گردید «در جلسه اخیر شورای بخش که با حضور آقای مستوفی تشکیل گردید، راجع به راه برخوردار مذاکراتی به عمل آمده و از طرف آقای بخش دار حومه پیشنهاد شده که ممکن است راه برخوردار دو راه باشد، و در این راه دهستان‌های زیادی شرکت خواهند داشت: یکی از آن راه‌ها راهی است که از آب بخشگان، انتهای چهارباغ جدید، در امتداد خیابان [چهارباغ] تا خورزوق و دولت‌آباد و جز خواهد رفت و سابقاً در شورا احداث آن تصویب شده است و راه دیگر آن است که از طوقچی به زینبیه و دارک و زرندی و حبیب‌آباد و کمشچه می‌رود و در این صورت دهستان‌های نامبرده هر یک از این راه استفاده خواهند نمود. و هزینه آن را باید بلوک جی و قهاب و برخوردار، به ترتیبی که تقسیم‌بندی می‌شود، بپردازند و در نتیجه مذاکرات مقرر شده که مهندسین اقدام به نقشه‌کشی راه دوم نیز نمایند تا پس از تکمیل نقشه ترتیب ساختمان آن داده شود.» (روزنامه اخگر، ش ۱۳۹۳، ۲۴ آذر ۱۳۱۷)

دو ماه بعد گویا احداث هر دو مسیر مورد موافقت قرار گرفته و نقشه‌کشی آن‌ها شروع شده بود. این خبر در روزنامه اخگر انتشار یافت «برای اتصال دهستان برخوردار به شهر دو راه شوسه احداث خواهد شد: یکی از پایان خیابان جدید چهارباغ شروع و به طول ۱۲ کیلومتر به خط مستقیم تا قریه خورزوق می‌رود و از آنجا قدری منحرف شده به طول ۱۸ کیلومتر مستقیماً تا قریه سین امتداد پیدا می‌کند که در حقیقت این دو خط مجموعاً ۳۰ کیلومتر می‌شود. دیگری از دوازده طوقچی شروع و به طول ۳۰ کیلومتر به طرف زینبیه و حبیب‌آباد و کمشچه پیش می‌رود. نقشه‌کشی این دو راه نیز در دست تهیه است و به مجردی که خاتمه یافت به ساختمان آن‌ها شروع خواهد شد.» (روزنامه اخگر، ش ۱۴۰۹، ۲۰ بهمن ۱۳۱۷) البته این راه یا ساخته نشد و یا به کیفیتی نبود که تا مدت‌ها موضوع راه زینبیه را حل کرده باشد. به همین خاطر معضلی به نام راه زینبیه به دوران پهلوی دوم کشیده شد.

### ۳-۱. موضوع راه زینبیه در دوران پهلوی دوم

همان زمان که زینبیه به‌عنوان یک امام‌زاده و موقوفه خارج از نظارت مستقیم اداره اوقاف



اصفهان قرار داشت شخصی به نام «سید نعمت الله افتخاری» به عنوان سرپرست، امور موقوفه را در دست گرفت. «با رونق یافتن آن آستانه و نیاز به مدیریت واحد جهت اداره اماکن و نظارت بر موقوفات و نذورات، مردم از عالمان و مجتهدان شهر خواستند فردی را به عنوان تولیت آستانه معرفی نمایند، لذا آیت الله ملا محمد حسین فشارکی (ره) و آیت الله حاج میر سید علی نجف آبادی (متوفای بهمن ماه ۱۳۲۱)، سرپرستی و مدیریت آستانه را به جناب آقای سید نعمت الله حسینی لنبانی معروف به افتخارالسادات که از افراد سرشناس و آزادی خواه بود واگذار نمودند» (سجادی، ۱۳۸۹: ۱۵۳)

درآمد موقوفه بیشتر صندوق اعانه‌ای بود که در بقعه قرار داشت و البته به دلیل استقبال چشمگیر مردم، پول زیادی به داخل آن ریخته می‌شد. به حدی که انتظارات مردم و زوار برای استفاده از این پول جهت بهسازی راه زینبیه و شوسه شدن آن کم کم بالا گرفت. راه زینبیه شوسه نبود و از رفت و آمد اتومبیل‌ها و درشکه‌ها، گرد و خاک زیادی ایجاد می‌گردید. بنابر این بخشداری از سرپرست موقوفه خواست که فکری به حال راه مذکور بنماید. در تاریخ بهمن ۱۳۲۲ جلسه‌ای با حضور سید نعمت الله افتخاری، سرپرست موقوفه و نیز نماینده اداره فرهنگ و نماینده بخشداری تشکیل شد و سرپرست موقوفه ضمن شرح مختصری راجع به وجوه صندوق و هزینه کرد آن عنوان نمود موافقت دارد پس از کسر مخارج موقوفه، بقیه درآمدها به هزینه اصلاح راه زینبیه گردد:

«در اثر وصول نامه شماره ۸۱۸ - ۱۱ / ۱۱ / ۲۲ بخشداری اصفهان، جلسه‌ای با حضور آقایان ادیب، معاون اداره فرهنگ و آقای شکوه نماینده بخشداری و سید نعمت الله افتخاری در تاریخ ۱۲ / ۱۱ / ۲۲ برای ترتیب محافظت صندوق زینبیه و اصلاح راه شهر تا زینبیه در اداره فرهنگ تشکیل گردید. و آقای افتخاری مراتب زیر را اظهار داشتند که اولاً نسبت به محافظت صندوق سابقاً با چهار نفر آقایان سید علی شهرستانی، سیدهاشم پالهنگ، جلال بکایی و حسن فرزند سید رضا قرار گذارده بودیم که از صندوق زینبیه محافظت نموده و در موقع باز نمودن درب صندوق، چنانچه موجودی کمتر از ده هزار ریال باشد، ده یک و نیم و در صورتی که از ده هزار ریال بیشتر باشد، ده یک به آنان داده شود و تا آخرین مرتبه که صندوق با حضور نماینده بخشداری باز شد به همین طریق عمل و قبض رسید از آنان گرفته، موجود است. به علاوه در مواقع مقتضی و ضروری روزانه ۵ ریال به محمد حسن کفشدار داده می‌شد ... ثانیاً در موضوع اصلاح راه شهر به زینبیه از درآمد صندوق و نظر به این که جناب آقای استاندار ابراز نموده‌اند، چون برای روشنایی و حقوق خدام و تعمیرات جزئی در زینبیه، محلی جز اعانه‌ای که زوار در صندوق می‌ریزند ندارد، و تا حال نیز از محل وجوه حاصله از صندوق پرداخت می‌شده، بنابر این موافقت دارم پس از پرداخت هزینه‌های نامبرده، آنچه باقی بماند صرف اصلاح جاده زینبیه شود. کمیسیون با نظر آقای افتخاری موافق و مقرر شد که مقدمات کار گذاردن صندوق را معین و روز مقرر را اطلاع دهند و با حضور نمایندگان فرهنگ و بخشداری اقدام شود.» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

شش ماه بعد موضوع راه همچنان بلا تکلیف مانده بود. پس جلسات مکرری توسط مسئولین شهری تشکیل می‌گردید تا پولی از جایی به دست آمده و راه مذکور ساخته شود. بیشتر چشم‌ها هم به صندوق زینبیه بود! در این میان هرچه اداره فرهنگ اصفهان از این که خود را در امور زینبیه که در بیابان‌های بیرون شهر قرار داشت، کنار می‌کشید، بخشداری با موضوع رفت و آمد زوار امامزاده

دست به گریبان بود و شوربختانه پولی برای احداث راه شوسه نداشت. بنابر این در تاریخ ۱۲ / ۵ / ۱۳۲۳ اولین جلسه شورای بخش با حضور قائدی، بخشدار اصفهان و حومه، تشکیل جلسه داد تا موضوع راه زینبیه را بررسی کند.

در این جلسه بخشداری تلاش می‌کرد اداره فرهنگ را بیشتر درگیر امور زینبیه نماید «موضوع راه زینبیه را آقای بخشدار مطرح و شرح مبسوطی بیان کردند مشعر بر این که در سابق شورای بخش چنین تصویب کرده بود که از طرف اداره اوقاف و بخشداری وجوهی که از طرف عامه در صندوق زینبیه ریخته می‌شود تحت نظر گرفته شده تا پس از جمع آوری با حضور آقایان و به تسطیح جاده زینبیه برسد و در نتیجه چون اداره اوقاف امتناع از مداخله نموده است، موضوع معوق مانده، ولی بخشداری مطابق صورت مجلس موجود، وجوه موجودی را با حضور متصدی صندوق معین نموده است تا در حدود مقررات تعیین تکلیف گردد» در ادامه این جلسه مقرر گردید از طریق استانداری نامه‌ای به اداره فرهنگ یا وزارت فرهنگ نوشته شده و خواستار دخالت اداره اوقاف اصفهان در صندوق اعانه زینبیه شوند تا «جلوگیری از تصرفات اشخاص در وجوه پرداختی از طرف مردم بشود» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

هفته بعد در تاریخ ۱۷ / ۵ / ۱۳۲۳ بخشدار اصفهان در نامه‌ای به استاندار، ضمن اعلام تصمیم کمیسیون فوق، از او خواست کمیسیونی با حضور شهرداری و اداره فرهنگ در این رابطه تشکیل گردد تا به موضوع راه زینبیه رسیدگی گردد «بازگشت به شماره — موضوع ساختمان راه زینبیه از محل صندوق اعانه آنجا، رونوشت قسمتی از صورت مجلس مورخه ۱۲ / ۵ / ۲۳ شورای بخش به پیوست تقدیم و زحمت افزا می‌شود: راه از اصفهان به زینبیه که محل عبور و مرور عده زیادی از اهالی است که همه روزه به قصد زیارت به آنجا می‌روند، و در حدود چهار کیلومتر می‌باشد، فوق‌العاده خراب و باعث زحمت عابریین و وسایط نقلیه است. به نظر بخشداری بهترین راه برای تعمیر و تسطیح آن استفاده از محل اعانه صندوق زینبیه می‌باشد، زیرا کثرت ایاب و ذهاب در این راه به منظور زیارت باعث خرابی می‌شود. مستدعی است در صورت موافقت مقرر فرمایند کمیسیونی با حضور رؤسای اداره شهرداری و فرهنگ و چند نفر معتمدین محل تشکیل شده، موضوع را مطرح و تصمیمات شایسته اتخاذ فرمایند» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

شهرداری اصفهان راه مذکور را خارج از حوزه محدوده شهر می‌دانست و حاضر نبود در آن هزینه کند. حتی دو سال بعد در پاسخ به نخست وزیر و استانداری، غفاری، شهردار اصفهان، در تاریخ ۲۷ / ۸ / ۱۳۲۵ به استاندار نوشت «پاسخ نامه شماره ۱۰۳۹۸ - ۱۹ / ۸ / ۲۵ متضمن مرجوعه شماره — دفتر نخست وزیری، راجع به آسفالت ریزی راه زینبیه معروض می‌دارد: راه زینبیه در حدود ۶ کیلومتر خارج از خیابان دور شهر و جزو راه‌های فرعی آن است که وسیله بخشداری در اجرای قانون عمران و آبادی به وسیله مالکین و رعایا ساختمان شده است. و شهرداری وظیفه‌ای نسبت به آن ندارد» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

معلوم نیست کمیسیون مورد اشاره که قرار بود با حضور شهردار و رئیس فرهنگ تشکیل گردید، برپا شد یا خیر، اما دو ماه بعد بخشدار اصفهان در تاریخ ۱۶ / ۷ / ۲۳ طی نامه‌ای به استاندار اطلاع داد که «در جلسه مورخه ۱۲ / ۷ / ۲۳ شورای بخش اصفهان، موضوع مطرح مذاکره و طبق صورت



مجلسی که رونوشت قسمت مربوطه آن به پیوست ایفاد می‌شود، از طرف شورای بخش اصفهان، پس از مطالعات لازم چهار نفر آقایان معتمدین را به شرح زیر تعیین نموده‌اند: آقای حاجی میرزا احمدخان فاطمی، آقای محمدعلی فدایی، آقای علیرضا نوربخش معاون ثبت اسناد، آقای مهدی بنان که در امور مربوط به وجوه ریخته شده در صندوق زینبیه نظارت و طبق نظریه اداره فرهنگ اصفهان، اقدام نمایند. به نظر بخشداری نیز اشخاص نامبرده از هر جهت صالح و شایسته و مورد اعتماد هستند. متمنی است مقرر فرمایید مراتب را به اداره فرهنگ اعلام و آقایان نامبرده را معرفی نمایند. نماینده بخشداری نیز آقای هادی شکوه، رئیس دفتر بخشداری، است» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

دو ماه بعد جلسه دیگری با حضور متصدی موقوفه و نماینده فرهنگ و بخشداری تشکیل گردید و این بار متصدی موقوفه هر گونه دخالت دولت در امور مالی امامزاده را رد کرد. رونوشت صورت مجلس ۱ / ۹ / ۲۳ «ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه اول آذرماه ۱۳۲۳ بر حسب دعوت قبلی بخشداری از معتمدین محل و نماینده فرهنگ راجع به صندوق اعانه زینبیه، آقایان فدایی و علیرضا نوربخش و سید نعمت‌الله افتخاری متولی زینبیه و آقای وزیرزاده، نماینده فرهنگ، در بخشداری اصفهان حضور به هم رسانیده و در اطراف طرز عمل در وجوه و مصارف زینبیه مذاکره و در نتیجه آقای افتخار اظهار داشتند که در باب مصرف وجوه، اینجانب حاضریم که با حضور آقایان معتمدین محل در این باب عمل نموده، مهر زدن و باز نمودن صندوق و مصرف وجوه صندوق و تعمیر جاده و سایر مصارف را در تحت نظر آقایان معتمدین محل انجام نمایم، لیکن مداخله مقامات رسمی دولتی را در این کار بر خلاف مصالح زینبیه دانسته و چنانچه بنا شود از طرف اداره فرهنگ در این باب مداخلاتی شود، به هیچ وجه حاضر برای دخالت در کار صندوق زینبیه نخواهم بود.» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

#### ۴. تلاش اوقاف اصفهان برای دخالت

همین عدم پذیرش دخالت اداره اوقاف در امور صندوق نذورات از سوی متصدی موقوفه، بیش از پیش اداره اوقاف را ترغیب و حتی ظنین می‌کرد که نظارتی در کار داشته باشد. در این نظریه مردم و معتمدین محلی نیز با او هم رأی بودند. آن‌ها راجع به پاکدستی سرپرست و هزینه کرد کل درآمدها در محل خود تردید داشتند، به طوری که رئیس فرهنگ اصفهان از مقامات بالاترخواست اجازه نظارت و دخالت بیشتری در امور موقوفه را بدهند. در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۲۳ حسین‌علی احسنی، رئیس فرهنگ اصفهان، که دایره اوقاف زیر نظر آن قرار داشت، به اداره کل اوقاف وزارت فرهنگ نوشت «بالغ بر دوازده سال است که محلی نامیده شده به زینبیه که به وقفیت ثبت رسیده، واقع در شش کیلومتری شمال اصفهان، مورد توجه اهالی این شهرستان واقع شده است. در اوایل امر آقای سید نعمت‌الله افتخاری به عنوان تصدی شروع به مداخله در زینبیه نموده و زیر نظر مرحوم آقای فشارکی صندوقی برای جمع‌آوری اعانه جهت تعمیر بقعه و قسمت‌های دیگر آنجا در بقعه زینبیه نصب و مبالغ زیادی همه ساله از طریق نامبرده جمع‌آوری می‌شده و چون به سیاست و مقتضای وقت سابقاً از طرف مقام وزارت متبوع این اداره تاکنون نظارتی بر وجوه جمع‌آوری شده و کمک‌هایی که متمکنین برای ساختمان محل نامبرده نموده‌اند، نکرده است، ولی نظر به این که

طبق اظهار خدام زینبیه و اطلاعات خارجی که به دست آمده، همه ساله مبلغ زیادی در صندوق جمع آوری شده و می‌شود و معلوم نیست تاکنون به چه مصرف رسیده. بنابر این برای آن که در آتیه از حیف و میل شدن اعانات و وجوه جمع آوری شده در صندوق زینبیه جلوگیری به عمل آید، چنانچه اجازه بفرمایند این اداره با اطلاع استانداری فقط در جمع آوری و مصرف وجوه نامبرده نظارت نموده و در انتصاب متصدی امین و مورد اطمینانی که در نزد وجوه اهالی (مخصوصاً اهالی بخش مجاور زینبیه) معروفیت و مقبولیت عامه داشته باشد اقدام نمایند و بدیهی است هیچ گونه دخالتی در امور مالی و مذهبی آنجا نخواهد شد. فقط صندوق از طرف این اداره و نماینده استانداری مهور شده و در موقع هزینه نظارت می‌شود.» (ساکما، ۱۴۷۵۸ / ۲۵۰)

چنان‌که از محتوای نامه‌های بعدی بر می‌آید، دو ماه بعد از این نامه، اداره کل اوقاف از تهران بازرسی به نام ذوقی را به اصفهان اعزام داشت و او نظر داد که اداره اوقاف اصفهان نباید در امور موقوفه دخالتی نماید. معلوم نیست مبنای قانونی این نظریه چه بوده است، شاید دور بودن موقوفه یا نامعلوم بودن آن یا جدیدالتأسیس بودن موقوفه، وی را به این نظریه رسانده بود. اما یک هفته بعد از رفتن بازرس و وقتی مشخص شد اداره اوقاف اصفهان نباید دست به ترکیب مدیریت موقوفه و صندوق آن بزند، در تاریخ ۷ / ۳ / ۱۳۲۳ حسین‌علی احسنی، رئیس اداره فرهنگ استان اصفهان به اداره کل اوقاف وزارت فرهنگ نوشت «عطف به مرقومه شماره ۲۱۵۵ - ۱۰ / ۲ / ۲۳ موضوع بقعه زینبیه، چنان‌که دستور فرموده‌اند نظر به عدم لزوم نظارت این اداره در صندوق اعانه و نذورات بقعه، بنابراین، این اداره در این خصوص مداخله نخواهد نمود و فقط چون بقعه و زمین‌های اطراف آن به وقفیت ثبت شده، هر موقع تجاوزی نسبت به عرصه و اعیان بقعه و زمین‌های اطراف آن به عمل آمد، طبق آیین‌نامه قانون اوقاف جلوگیری خواهد نمود.» (ساکما، ۱۴۷۵۸ / ۲۵۰)

اما بنابر شنیده‌ها و دریافت‌های اداره معارف، وجوه صندوق زینبیه آن قدر زیاد بود و سرپرست موقوفه، افتخاری، آن قدر مورد تشکیک بود که اداره فرهنگ اصفهان نمی‌توانست ساکت در گوشه‌ای بنشیند و فقط نظاره‌گر وقایع باشد. به‌ویژه آن‌که عده‌ای از محترمین اصفهان از اداره فرهنگ خواسته بودند از «حیف و میل» وجوه مذکور ممانعت نماید. بنابر این چندی بعد حسین‌علی احسنی، رئیس اداره فرهنگ اصفهان، در تاریخ ۱۹ / ۵ / ۲۳ به اداره کل اوقاف وزارت فرهنگ نوشت «با این که بقعه زینبیه از محل نذورات و وجوه حاصله از صندوق اعانه آنجا دارای درآمد نسبتاً مهمی می‌باشد، و نظارت این اداره نسبت به مصرف وجوه نامبرده ایجاب می‌نمود به این وصف حسب الامر شماره ۲۱۵۵ - ۱۰ / ۲ / ۲۳ از هر گونه مداخله در آنجا خودداری شد، ولی چون اخیراً عده‌ای از محترمین اصفهان به اینجانب مراجعه و برای جلوگیری از حیف و میل شدن نذورات و وجوه حاصله از صندوق اعانه تقاضای نظارت این اداره در امور زینبیه نموده‌اند، علی‌هذا مراتب را بدینوسیله معروض داشت تا چنانچه اجازه فرمایند وجوه حاصله از صندوق اعانه و نذورات زینبه را به طریق مزایده (طبق عملی که نسبت به امامزاده علی‌عباس<sup>۱</sup> واقع در کاشان شده) به یک نفر متصدی واگذار و از تفریط آن‌ها

۱. امامزاده آقا علی عباس و شاهزاده محمد زیارتگاهی در استان اصفهان، شهرستان نطنز قرار گرفته که مدفن آقا علی‌عباس و شاهزاده محمد منسوب به فرزندان موسی کاظم است. این زیارتگاه مورد توجه و اعتقاد فراوان مردم کاشان و آران و بیدگل و نطنز است. این امامزاده در دل کویر قرار دارد اما اتاق‌های فراوانی برای زواری که می‌خواهند در آنجا اقامت کنند در چهار سوی حیاط آن ساخته شده است.



جلوگیری شود، بسته به نظر مبارک است» (ساکما، ۱۴۷۵/۲۵۰) ساز و کار «مزایده» می‌توانست به همه این جنجال‌ها خاتمه دهد، اما معلوم نیست چرا اجرایی نگردید.

در دی ماه سال ۱۳۲۳ احسنی رفته و شخصی به نام رادسرت رئیس اداره فرهنگ اصفهان را عهده‌دار بود. او نظریه تهران در عدم مداخله در امور مالی بقعه را قبول داشت و دخالت در آن را مایه «زیان معنوی» اداره اوقاف اصفهان می‌دانست. اما در گزارشی به تهران ابراز داشت که چهار نفر معتمد محلی را برای این امر انتخاب و به افتخاری، سرپرست موقوفه معرفی کرده است که وجوه صندوق با نظارت آن‌ها جمع‌آوری و هزینه گردد. او در تاریخ ۲۰ / ۹ / ۱۳۲۳ به اداره کل اوقاف وزارت فرهنگ نوشت «عطف به نامه شماره — صادره از اوقاف شهرستان‌ها، موضوع مداخله در امور زینبیه معروض می‌دارد به طوری که اینجانب از ابتدای ورود خود به اصفهان استنباط نمودم (در اثر مراجعه اشخاص و ملاحظه محتویات پرونده مربوطه که از سال ۱۳۱۳ به بعد تشکیل شده) مندرجات دستورهای آن اداره و مقام وزارت و اظهار نظر مورخ ۱ / ۳ / ۲۳ آقای ذوقی بازرس عالی وزارتی که مشعر بر عدم مداخله در امور زینبیه بوده، بسیار به موقع، بنابراین با وجود پیشنهادهای شماره ۲۵۸۱ — ۳۰ / ۱ / ۲۳ و ۱۴۵۲۹ — ۱۹ / ۵ / ۲۳ اداره فرهنگ اصفهان نظر به این که در اثر مراجعات اشخاص و بررسی‌هایی که نسبت به موضوع بالا نمودم، تحقیق شد که دخالت در امور زینبیه به زیان معنوی این اداره خواهد بود. بدین مناسبت شرح لازم طی شماره ۲۷۵۱۶ تاریخ ۲۰ / ۹ / ۲۳ به آقای افتخاری، متصدی زینبیه نوشته شده که زیر نظر آقایان حاج میرزا احمد فاطمی، محمد علی فدایی، مهدی بنان و علیرضا نوربخش معاون ثبت اسناد اصفهان معتمدین محلی (که اداره استاندارد صلاحیت آن‌ها را گواهی نموده) وجوه حاصله از صندوق و نذورات زینبیه به مصرف بقعه برسانند.» (ساکما، ۱۴۷۵/۲۵۰) بدین ترتیب این اولین قدم برای نظارت بر وجوه صندوق بقعه برداشته شد.<sup>۱</sup>

## ۵. نامه پراکنی به مقامات

با وجود سابقه بالا و معرفی و انتصاب چهار نفر که نقش هیأت امنا را داشتند، تسلط سید نعمت‌الله افتخاری به حدی بود که عده‌ای از مردم اطراف و نیز محلات طوقچی و جی، به دلیل یا بهانه خرابی جاده زینبیه، از مقامات مملکتی چون شاه، نخست وزیر و وزیر فرهنگ خواستند متصدی موقوفه را خلع کرده و از پول درآمد موقوفه جاده مذکور ساخته شود. آن‌ها در تاریخ ۱۴ / ۹ / ۱۳۲۶ به شاه نوشتند «در شش کیلومتری شهر اصفهان امامزاده‌ای است به نام امامزاده زینب که ارباب اعتقاد آن را زیارت می‌نمایند. دارای خط مخصوصی برای نقلیه می‌باشد از طرفی به قدری این شش کیلومتر دارای دست انداز و انباشته از خاک است که تماس چرخ در تمام مدت حرکت در خاک گردش می‌نماید. و در نتیجه ماشین و مسافری متعاضی و مضطرب شده و املاک مجاور این جاده از صورت ملک مزورعی افتاده و گرد و غبار مانع نمو و رشد محصول می‌باشد و نیز ساکنین دو طرف این راه همیشه از شدت گرد و خاک به فغان هستند. در صورتی که چندین سال است که زائرین هدایا و نذوراتی جهت باقی بودن در بقعه آورده و قطعات ممتازه تقدیم کرده که کلیه آن‌ها به

۱. چنان‌که می‌دانیم بعد از مرگ نعمت‌الله افتخاری در سال ۱۳۴۵ سازمان اوقاف اصفهان به طور کامل امور امامزاده زینبیه را به دست گرفت. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۴۸)

انضمام محتویات یک صندوق مقفل که در دیوار نصب و همه ماهه مبالغی پول در آن جمع می‌شود فقط یک نفر همه آن را بدون استحقاق و محذورات قانونی برده و می‌برد و در نهایت وقاحت به مصرف شخصی خود می‌رساند. در صورتی که این وجوه اگر کنترل شده و از آن حفاظت شده بود، برای هزینه آسفالت این ۶ کیلومتر کفایت می‌کرد و نیز این موضوع در استانداری و فرهنگ اصفهان دارای پرونده می‌باشد و مکرر مردم تقاضا کردند که حساب این فرد متصدی را بکشید و صندوق را تحت نظر گرفته و محتویات آن را جهت ساختن راه آن تأمین و منظور دارید. و این شخص دارای چه حکمت و چه صلاحیتی است. هر چه خورده از او مآخوذ کنید و مخارجات ترمیم را هم که میرزا محمد کازرونی کرده است. مع الوصف معلوم نیست از روی چه نظری دوایر اقدامی مؤثر و جدی نکرده‌اند و غارت اموال بقعه ادامه و خرابی راه روز به روز بدتر و اسباب مزاحمت زارعین و عابرین و زایران و آلات نقلیه را فراهم ساخته است. لذا استدعا داریم مقرر فرمایید این شخص را حاضر و حساب را خواسته و از او اخذ و برای ساختن جاده منظور و از همین پول صندوق اقدام گردد» (ساکما، ۱۴۷۵۸ / ۲۵۰) این جماعت که گویا ساکنین محله جی و طوقچی بودند، با همان دستخط و امضاها، در همان تاریخ ۱۴ / ۹ / ۱۳۲۶ عریضه‌های مشابهی برای نخست وزیر و وزیر فرهنگ هم ارسال داشتند. آن‌ها به نخست وزیر نوشتند «اولاً این جاده به قدری پر از خاک و دست انداز است که نقلیه را اسقاط نموده و حلق و گلوی زارعین و مجاورین را از خاک انباشته و ساکنین دو طرف راه مضطر و املاک مزروعی مجاور را از حیز انتفاع ساقط ساخته است» (ساکما، ۱۴۷۵۸ / ۲۵۰) و به وزیر فرهنگ اطلاع دادند «اولاً این جاده مملو از خاک و آلات نقلیه را مضطر و سرتا پای زائرین را پر خاک ساخته و ثانیاً املاک مزروعی دو طرف جاده را از انتفاع ساقط و غمباد و کثافات منتشر، مانع نمو و ورشد حاصل می‌باشد» (ساکما، ۱۴۷۵۸ / ۲۵۰) آن‌ها سپس تقاضای آسفالت خیابان مذکور را ابراز کرده و ماجرای صندوق را مطرح کرده‌اند.

در ادامه همین نامه‌نگاری‌ها، در تاریخ ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۲۶ نامه‌ای از اداره فرهنگ اصفهان - دایره اوقاف به استانداری نوشته شد که خواهان نظارت بیشتر بر وجوه صندوق بود. سخن اوقاف اصفهان به استانداری این بود که حالا که ما نظارت مستقیم نمی‌کنیم، دستور دهید نظارت غیرمستقیم ما بیشتر شود. این نظارت با سه واسطه باید صورت می‌گرفت: شورای معتمدین، بخشداری اصفهان و استانداری اصفهان. «تاکنون چندین شکایت از طرف اهالی دهستان جی و ساکنین طوقچی به مقام وزارت متبوع و اداره کل اوقاف درباره مصرف شدن درآمد زینبیه تقدیم و چگونگی برای رسیدگی به اداره ارجاع گردیده، چون به طوری که سوابق امر حکایت می‌کند در سال ۱۳۲۳ جلسه شورای بخش در بخشداری اصفهان تشکیل و مقرر شده که درآمد زینبیه تحت نظر آقایان حاج میرزا احمد فاطمی، علیرضا نوربخش، معاون ثبت اسناد، مهدی بنان و محمدعلی فدایی، معتمدین محل جمع آوری و با نظارت این اداره به مصرف برسد و نظر به این که این اداره از چگونگی عمل آقایان نامبرده و صرف وجوه حاصله از صندوق زینبیه اطلاعی ندارد، خواهشمنداست مقرر فرمایند بخشداری اصفهان از چگونگی، این اداره را مستحضر سازند.» (ساکما، ۱۴۷۵۸ / ۲۵۰)

بخشداری اصفهان آیا گزارشی به اداره فرهنگ ارائه داد یا خیر ما از آن بی‌اطلاع هستیم، اما چنان که دیدیم درآمد صندوق بقعه با موضوع بهسازی راه زینبیه به شدت به هم گره خورده بودند.



به طوری که بخشدار اصفهان در تاریخ ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۲۶ نامه‌ای نوشته و به یکی از مصوبات شورای بخش اشاره می‌نماید که تصمیم گرفته‌اند از هر مسافری که به آنجا وارد می‌شود پولی بگیرند. این درآمدها دیگر کاری با صندوق بقعه نداشت و مستقیم در دست بخشداری می‌رفت. بنابر این می‌شد بر روی آن حساب کرد «پیرو معروضه شماره ۱۳۱۰ - ۲۸ / ۱۰ / ۲۶ متضمن صورت مجلس شورای بخش اصفهان، معروض می‌دارد نظریه شورای بخش این است که ساختمان راه زینبیه با وضع خراب فعلی فوق‌العاده مورد ضرورت می‌باشد و درآمد صندوق آنجا کافی برای انجام این منظور نیست و تصویب نموده‌اند که از هر نفر مسافر اتوبوس یک ریال، و از هر نفر مسافر با ماشین سواری یکریال و پنجاه دینار و از هر دستگاه درشکه که به آنجا می‌رود چهار ریال به عنوان عوارض گرفته شده و در تحت نظر شورای بخش و معتمدین محلی صرف تعمیر راه بشود. با توجه به این که خرابی این راه به واسطه کثرت رفت و آمد وسایط نقلیه می‌باشد، مستدعی است مقرر فرمایید موضوع مورد توجه فوری قرار داده شده و در تأیید نظر شورای بخش و ابلاغ آن به این بخشداری اقدام مقتضی معمول نمایند» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷) به نظر می‌آید استاندار با این طرح موافقت ننموده است یا به هر دلیل این طرح اجرایی نشد. به همین خاطر دو ماه بعد بخشدار اصفهان مسیر دیگری را در پیش گرفت. او ضمن تهیه و ارسال فهرستی از خیرین اصفهان برای استاندار از او می‌خواست جلسه‌ای ترتیب داده و از آن‌ها به منظور تعمیر و تسطیح راه کمک بگیرد. نامه بخشدار اصفهان در تاریخ ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۲۶ به استاندار اصفهان «تعقیب گزارش شماره ۱۳۱۱ - ۲۸ / ۱۰ / ۲۶ موضوع ساختمان جاده زینبیه همان قسمی که حضوراً دستور فرمودید برای کمک در تعمیر و تسطیح راه زینبیه، صورتی از آقایانی که ممکن هست برای انجام این منظور از کمک آن‌ها استفاده شود، تنظیم و به پیوست تقدیم می‌شود. چون راه مزبور که محل عبور و مرور عدّه زیادی از اهالی است فوق‌العاده خراب می‌باشد، نظریه مبارک را نسبت به اصلاح آن جلب و مستدعی است دستور فرمایید دعوتی از آقایان نامبرده بشود که در تحت توجهات استانداری این منظور هر چه زودتر عملی گردد.» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷) از کیفیت این جلسه پیشنهادی و ماحصل آن هم سندی به دست ما نرسیده است.

## ۶. موضوع اتوبوس‌رانی راه زینبیه

بعد از کشف امام‌زاده و استقبال گسترده مردم برای بازدید از آن، چندین اتوبوس در مسیر زینبیه به شهر اصفهان مشغول به کار گردیده بودند. اطلاعات ما از تعداد و وضعیت آن‌ها ناچیز بود تا این که در اسفند ۱۳۲۶ شخصی به نام «عباس حراج‌چی» از طرف شرکت لوان‌تور، خواستار آن شد که انحصار اتوبوس‌رانی خط زینبیه - طوقچی برای مدت شش سال به وی داده شود، با این شرط که شرکت مذکور راه را تسطیح و شن‌ریزی نماید. او در تاریخ ۱۹ / ۱۲ / ۲۶ طی نامه‌ای به استاندار اصفهان شرایط خود را چنین بر شمرد:

«۱. راه شهر به زینبیه را شن‌ریزی و تسطیح نمایم. ۲. هر قدر اتوبوس طبق ظرفیت مقرر از طرف اداره شهرداری برای خط مزبور لازم باشد، به کار گمارده شود. ۳. تمام اتوبوس‌ها از سیستم [سال ۱۹۴۱] به بالا خواهد بود. ۴. راننده و بلیط فروش و شاگرد راننده دارای لباس متحدالشکل

بوده، موجبات رضایت مردم را فراهم نمایند. ۵. تمام مقررات مربوط به راهنمایی را عهده‌دار و در ایام زیارتی هر اندازه اتوبوس کمکی که برای آن خط لازم باشد، شخصاً عهده‌دار هستم که در آن خط بگذارم» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷) استاندار موضوع را به شهردار اصفهان ارجاع داد. شهردار هم جلسه‌ای با حضور ریاست شهربانی اصفهان سرهنگ دولتشاهی و ایشان برگزار کرد اما گویا موضوع کمی پیچیده شده بود. غفاری شهردار اصفهان در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۲۷ به استاندار اصفهان نوشت «با وجود آن که اصولاً شهرداری نسبت به جاده‌های خارج شهر مسئولیتی نداشته و دخالتی ندارد، معهداً برای امتثال اوامر عالی، کمیسیونی با حضور سرکار سرهنگ دولتشاهی، رئیس سابق شهربانی در تاریخ چهارم اردیبهشت ماه جاری تشکیل و با نماینده شرکت سهامی لوان تور مذاکرات مفصل به عمل آمد و چون نامبرده علاوه بر تقاضای حق امتیاز شش ساله اتوبوسرانی در آن جاده مزبور و انحصار اتوبوس‌ها، حق تقدیمی نیز برای بعد از خاتمه مدت شش سال درخواست می‌نمود، که قبول آن برای شهرداری و شهربانی صورت قانونی نداشت، نتیجه‌ای از تشکیل کمیسیون عاید نشده و نماینده شرکت سهامی لوان تور نیز از آن تاریخ به بعد به شهرداری مراجعه ننموده است» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

اما در این فاصله که نماینده شرکت لوان تور در تلاش برای دریافت حق انحصار اتوبوسرانی راه زینبیه بود، صاحبان اتوبوس‌هایی که پیشتر در خط زینبیه کار می‌کردند، مطلب را فهمیده، احساس خطر کردند و طی نامه‌ای به استاندار، در تاریخ ۳۰ / ۱ / ۲۷ خواستار آن شدند که انحصاری در کار نباشد. آن‌ها در نامه خود که حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی می‌باشد، ابتدا با یادآوری مشکلاتی که در گذشته در این راه وجود داشت، خواستار شناخته شدن حق خود بودند «اینجانبان صاحبان اتوبوس‌های خط زینبیه از بدو تأسیس جاده زینبیه که تقریباً پانزده سال است، اینجانبان در این خط مشغول رانندگی و رساندن مسافرین و زوار به بقعه متبرکه بوده، خصوصاً در زمان جنگ [جهانی دوم] که طایر و تیوپ هر دستی هفت هزار تومان بوده و در این خط از بین برده، و هر یک اتوبوس تقریباً چهل هزار تومان خریداری نموده، برای همچه روزی که راه مزبور، زیرسازی و شن‌ریزی یا آسفالت شده و بر خلاف گذشته یا تبدیل به احسن بلکه رفع ضرر و خسارت اینجانبان بدین وسیله بشود و در نتیجه هر یک از صاحبان اتوبوس با چندین سر عائله، معاش روزانه خود را اداره نمایند و آنچه تاکنون برای تعمیر ساختمان راه مزبور چه از طرف اهالی و چه چاکران، دادخواست به مرکز و دوایر دیگر داده‌ایم، منتج به نتیجه نشده و اینک شنیده‌ایم که یک نفر به نام عباس هراچی به تحریک شخص سرمایه داری تقاضا نموده که شن این راه را بریزد و اتوبوسرانی راه را به خود امتیاز دهد و حال آن که پنجاه نفر آدم زحمتکش که اینها هر یک دارای ده سر عائله می‌باشند، از کار برکنار کند و بر سرمایه هنگفت خود و شخص سرمایه‌دار بیفزاید.» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

رانندگان اتوبوس در ادامه نامه به چند نکته اشاره کرده و حتی پیشنهاداتی ارائه دادند «اولاً شن‌ریزی بدون زیرسازی به کلی برای راه بی‌نتیجه و در صورتی که منحصر به شن‌ریزی گردد، خود اینجانبان اقدام خواهیم نمود. ثانیاً از موقع افتتاح این راه که جاده اولی بود، شخصاً تسطیح و پل‌سازی و خاکریزی آن را خودمان عهده‌دار بوده در زمان اعلی‌حضرت شاه فقید که این خط را با اقدامات بخشداری شهر و حومه مهندسی و میخ‌کوبی و تسطیح گردیده، چون پل‌سازی و خاکریزی



آن خاتمه یافت، همه روزه چندین نفر عمه به هزینه خودمان در این جاده مشغول خاکریزی پست بلند جاده و تعمیر پل‌ها بوده و به علاوه مالیات و عوارض شهرداری و سایر مخارجات یومیه... به هر طریقی دولت بخواهد در باب کنترات این راه برای تعمیر و ساختمان و شن ریزی اقدام نماید، حق تقدم با کسانی است که چندین سال است خسارت عمده به واسطه خرابی در این راه متحمل شده و به امید این که آینده بتوانند از جاده آسفالت شده یا شن ریزی جبران خسارت نمایند» (چندین ده امضا) (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷) احتمالاً این نامه باعث شد که مقامات شهرداری و شهرداری به شرکت لوان تور با وجود وعده‌های شیرینش، بیش از اندازه امتیاز ندهند.

با آن که قرارداد امضا نشده و انحصاری به عباس حراج چی و شرکت لوان تور داده نشد، اما وی دست به اقدامات عجیبی در این خط زد. به طوری که صدای شکایت صاحبان اتوبوس‌های خط درآمد. آن‌ها در تاریخ ۱۵ / ۲ / ۱۳۲۷ به بخشداری نوشتند «از عباس هراچی شکایت دارند که بدون مجوز قانونی روز جمعه ۳ / ۱ / ۲۷ یک دستگاه اتوبوس بدون تابلو در خط مذکور آورده و به مسافربری مشغول شده و از طرفی یک عده‌ای را در اطراف اتوبوس‌های آنان گمارده که سایر اتوبوس‌های آن خط نتوانند مسافر حمل نمایند و حمل مسافر منحصر به اتوبوس نامبرده باشد و تقاضای رفع مزاحمت عباس هراچی را نموده‌اند» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷) این نامه‌نگاری باعث گردید بخشی از کیفیت حمل و نقل زوار امامزاده زینبیه به روشنایی تاریخ بیاید. ما دانستیم زوار این امامزاده اغلب با اتوبوس‌هایی که حالت شخصی داشتند و مثلاً زیر نظر خط واحد اتوبوس‌رانی نبودند، به آنجا رفت و آمد می‌کردند.

## ۷. آسفالت راه زینبیه

فناوری آسفالت در حدود سال ۱۳۱۶ وارد اصفهان شده میدان نقش جهان و سپس چهارباغ اولین مکان‌هایی بودند که آسفالت را به خود دیدند.<sup>۱</sup> اما تا آسفالت به خیابان زینبیه برسد چند دهه طول کشید. بر اساس یک خبر در سال ۱۳۲۴ عده‌ای از خیرین و مالکان اطراف، حاضر شده بودند هزینه آسفالت آن راه را بدهند «چون عده‌ای از مالکین و نیکوکاران حاضر شده‌اند که مخارج آسفالت خیابان طوقچی به بی‌بی زینب را پرداخت کنند، مدیر این روزنامه از مدیران شرکت «کروگا» درخواست کرده است که نقشه‌برداری و برآورد مخارج این جاده را، که هم از نظر مذهبی مورد حاجت است و هر روز عده زیادی به قصد زیارت ایاب و ذهاب می‌کنند، و هم از این نظر که شاهراه بزرگی است و دهات برخوردار را به شهر متصل می‌کند، بر آورد نموده تا هر چه زودتر وسیله آسفالت کردن این جاده عملی شود.» (روزنامه نقش جهان، ش ۳۳۰، ۲۴ آبان ۱۳۲۴)

اما این طرح هم به جایی نرسید. قدم‌هایی برداشته شد اما جاده پر گرد و خاک و دست انداز زینبیه رنگ آسفالت را ندید. به همین خاطر سه سال بعد مؤسسه «نویدا و رالسن» در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۲۷ در نامه‌ای به عبدالحسین انصاری، استاندار اصفهان، آمادگی خود را برای انجام زیرسازی و

۱. خبر روزنامه اخگر از اولین آسفالت‌کاری‌ها در اصفهان «در این دو روزه مأمورین شرکت ساختمانی دکاء مشغول نقشه‌کشی خیابان‌های اطراف میدان نقش‌جهان بوده و مشغول نقشه‌برداری آسفالت میدان می‌باشند. پس از طرازبندی و تسطیح کامل یک قسمت سواره‌رو خیابان چهارباغ، در این چند روزه مشغول هموار کردن قسمت دیگر می‌باشند.» (روزنامه اخگر، ش ۱۲۵۱، ۱۴ تیر ۱۳۱۶)

آسفالت خیابان زینبیه به مبلغ چهارصد هزار تومان اعلام کرد. در نامه این شرکت به استاندار آمده است «در اجرای اوامر و منویات خیرخواهانه آن جناب در مورد آسفالت کاری راه زینبیه که به شماره - دستور تهیه برآورد هزینه آسفالت کاری راه مزبور را به این مؤسسه صادر فرموده‌اند، ... سال گذشته بنا به تقاضای عده‌ای از خیرین اصفهان که در نظر داشتند راه مزبور را آسفالت نمایند، این مؤسسه مبادرت به نقشه برداری و تهیه نقشجات کامل راه مزبور نمود، ولی متأسفانه آن نیت خیرخواهانه آن‌ها به صورت عمل در نیامد. برآورد آسفالت کاری راه زینبیه به طول ۵۲۵۰ متر و به عرض ۶ متر با جدول‌های بتونی (صورت ریزه هزینه خاکبرداری، خاکریزی، زیرسازی، آسفالت ریزی و جدولسازی آمده است) مجموعاً ۵۹۱۷۱۶۵ ریال می‌شد. باتوجه به نیت خیرخواهانه آن استاندار معظم، حاضر است آسفالت کاری راه مزبور را با مشخصات بالا مقطوعاً به مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰ ریال انجام و تحویل دهد.» (ساکما، ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷)

عبدالحسین مسعود انصاری یکی از تکنوکرات‌های دوران پهلوی دوم بود که خوشبختانه خاطرات خود را به رشته تحریر در آورده است. از خاطرات او بر می‌آید که وی در تاریخ ۲۸ مهر ۱۳۲۶ استاندار اصفهان شده و در بهمن سال بعد به سفارت کبرای ایران در کابل منصوب می‌گردد. او در این مدت توانست با انعقاد قرارداد با شرکتی خارجی، اغلب معابر اصفهان را آسفالت نماید. (انصاری، ۱۳۷۴: ۶۰۷) اما گویا راه زینبیه در این زمان آسفالت نشده است.

در سال ۱۳۴۸ روزنامه اصفهان با این تیتر که «خیابان زینبیه را فراموش نکنید» از شهرداری خواست که به این خیابان توجه کند. او در خلال سخنش از میزان توجه زیاد مردم اصفهان به این امامزاده پرده برداشته است «ما چه بخواهیم چه نخواهیم در حال حاضر امامزاده زینبیه از زیارتگاه‌های معتبر شهر اصفهان به شمار می‌رود. و به همین جهت نه تنها در روزهای پنجشنبه و جمعه، بلکه در تمامی ایام هفته عده زیادی به زیارت این مرقد مطهر می‌روند و چون راه نسبتاً طولانی است، و هرگز نمی‌توان آن را پیاده پیمود، اگر اتوبوسی عازم حرکت نباشد، ناگزیر سوار تاکسی می‌شوند و با در نظر گرفتن این که همین راه، معبر هزاران ساکنین دهات واقع در طرفین آن یا چندین ده از دهات برخوردار می‌باشد، و آن‌ها هم یا با دوچرخه یا سوار بر استر و الاغ یا با تاکسی و تاکسی بار از همین راه تنگ و باریک عبور می‌کنند، معلوم است چه شلوغی و ازدحامی ایجاد می‌شود و به همین مناسبت هم هست که مرتباً در این راه تصادفات خونین پیش می‌آید و در هر هفته یک یا دو نفر نفله می‌شوند و جان خود را به مفت و ... از دست می‌دهند! به همان نسبت که خیابان جی به مناسبت کمی وسعتش خطرناک گردیده و هر هفته یک نفر در آنجا تصادف می‌کند و جان شیرین را از دست می‌دهد، خیابان زینبیه هم خطرناک شده و هر هفته در آنجا تصادفی می‌شود و یک یا چند نفر مجروح و مقتول می‌شوند و به همین دلیل شهرداری اصفهان موظف است که قبل از هر اقدامی به توسعه دو خیابان جی و زینبیه بپردازد و سپس دست به کار توسعه و احداث سایر خیابان‌ها و میدان‌های شهر بشود» (اصفهان، ش ۱۹۹۵، ۲۸ بهمن ۱۳۴۸)

در مصاحبه با آقای هوشنگ پوریای ولی، یکی از شهرداران مناطق اصفهان، ایشان نظر داد که سرانجام راه زینبیه در اوایل دهه پنجاه و در زمان استانداری غلامرضا کیانپور و شهرداری بهمن رضایا آسفالت گردید. (پوریای ولی، ۱۴۰۳)



## ۸. تحولات زینبیه در دهه چهل

سرهنگ محمود زاهدی یکی از روسای نیکنام اداره اوقاف اصفهان بود که در دوران او تحولات چشم گیری در حوزه اوقاف اتفاق افتاد. خوشبختانه کتاب «سپاسگزاری از مردم» که در سال ۱۳۴۶ توسط اداره اوقاف اصفهان و زیر نظر او منتشر گردید، به واقع کارنامه فعالیت های وی در شهر اصفهان است. در این کتاب راجع به زینبیه آمده است که در سال ۱۳۴۵ با مرگ افتخاری متصدی، امور زینبیه کاملاً در دست اداره اوقاف اصفهان قرار گرفت و بعد از آن «تصمیمات قاطعی برای احیای آستانه و تعمیرات آن آغاز نمود.» ابتدا هیأت امنایی تشکیل گردید که شامل آیت الله حاج میرزا عبدالجواد کلباسی، تیمسار سرلشکر حمید شیروانی، حاج عبدالعلی فیض، میرزا محمد بنکدار، محمد صادق صیرفیان، سید محمد مومن، حسن کلاهدوزان، محمد بصیری، اسماعیل بهزادی، شاپور افتخاری و سرهنگ محمود زاهدی بود. آن ها در قدم اول صحن امامزاده را وسعت بخشیدند. بدین طریق که «چون در جوار صحن، قلعه مخروبه ای بود که چند خانواده زارع در آن سکونت داشتند، و در وضع بسیار رقت آوری زندگی می کردند و از طرف دیگر توسیع صحن نیز جزو برنامه منظور و از هر حیث ضرورت داشت» لذا برای حل این مشکل تیمسار حمید شیروانی زمینی به مساحت هفت هزار متر زمین را که متعلق به خود و فامیلشان بود به اداره اوقاف واگذار کرد که تعداد ده باب خانه برای زارعین مذکور ساخته شده و به آنجا منتقل گردیدند. قلعه مذکور نیز تخریب شده و به صحن امامزاده اضافه شد. بعد از آن با همت حاج عبدالعلی فیض یک باب مسجد در آن حوالی ساخته شد. همچنین تعداد ۲۵ اتاق با دستشویی برای توقف زائرین در اطراف صحن ساخته شد. تأمین آب آشامیدنی زوار، ساختمان یک باب کتابخانه و درمانگاه در صحن جدید و چندین طرح دیگر نیز انجام پذیرفت. (سپنتا، ۱۳۴۶: ۵۵ - ۴۷)

## ۹. زینبیه در دهه پنجاه

در سال ۱۳۵۱ یادداشتی از محمد مصصامی تحت عنوان «زیارتگاه زینبیه» در روزنامه اصفهان منتشر شد که نشان می داد در آن سال ها هنوز به شدت این امامزاده مورد توجه عموم مردم اصفهان بوده است. با وجود تردید نویسنده نسبت به اصالت مقبره، تصویر جالبی از حرم زینبیه در اوایل دهه پنجاه به دست می دهد. نکته مهم آن که در اوایل دهه پنجاه وقتی دولت عراق حدود یکصد هزار ایرانی را از این کشور اخراج کرد، بخشی از آن ها به اصفهان آورده شده و در اتاق های این امامزاده سکونت داده شده بودند. بنابر این امامزاده زینبیه یک نقش اجتماعی تازه ای یافته بود «یک روز تعطیل به مناسبت بزرگداشت شعائر مذهبی فرصتی بود که طی وقت کشی های طاقت فرسا، سری به مقبره زینبیه بزنم. در نهایت بی تفاوتی از این که آنجا چه کسی مدفون است، به قول معروف و تازه مکشوف دختر موسی بن جعفر علیهما السلام است یا مدفن دیگری از بندگان پرهیزگار خدا و نیکان، البته آن روزها که شور چنین تحقیقات را داشتم از مطالعه کتاب «کشف الخبیه عن مقبره زینبیه»<sup>۱</sup> هم چیزی عایدم نشد و تنها به واقعیت موجود می نگرم که مردم چگونه گرداگرد آن

۱. کتاب «کشف الخبیه عن مقبره الزینبیه» از محمد علی معلم حبیب آبادی است که در چند فصل شامل تعداد، اسامی و

ضریح می‌گردند (یعنی طواف و البته خطا) و زیارتی و دعایی. صرف نظر از جمیع جهات یک زیارتگاه برای اصفهان لازم است با هر نسب و حسبی که باشد. زیارتگاهی که از مزایای خاص زیارتگاهی و سنتی برخوردار باشد و روی آن نظر هم داشته باشند. بخصوص مالکان آن حدود که با افزایش جمعیت و ایاب و ذهاب، احساس سرمایه داری و ثروتمندی می‌کنند. بنابر این زینبیه هم فعلا در بورس افتاده. البته زمین‌های اطرافش و مثل همه زیارتگاه‌های دنیا محل درآمدی شده است برای عده‌ای زیارتنامه خوان، و امثال آن. و تا بخواهی گدا و کور و عاجز و دزد و جیب بر که همان مغازه دارهایش باشند، که به قول سعدی به روزره می‌زنند، و فروشنده‌های دوره گردش که هنر اصلی آن‌ها آب کردن بنگل است، نه فروشنده‌گی. نئی راه پر از گرد و خاک و همه جای دیگر هم آن قدر شلوغ شلوغ بود که یا قدوس! مثل این که یک تفریحگاه مذهبی است. حتی چند تا کلمی دیدم که با اهل عیالش آنجاها قدم می‌زدند و شاید مجذوب اعمال و رفتار مردم. ضمن گردش در اطراف صحن، با چند سرباز جوان برخوردیم که عاطفه پاک و احساس نیکشان سخت بر من اثر گذاشت و آفرین بر این جوانان رؤوف که خداوند همیشه از بلاها محفوظشان دارد. این سربازها یا بهتر بگویم ژاندارم‌ها مأمور مراقبت بودند برای معاودین عراقی. همان‌ها که سال گذشته از عراق رانده شدند و هنوز گروهی از آن‌ها بلاتکلیف در اتاق‌های زینبیه عمر می‌گذرانند. «(اصفهان، ش ۲۷۷۴، ۱۱ آبان ۱۳۵۱)

## ۱۰. زینبیه در یک روز عاشورا در دهه پنجاه

چند ماه بعد گزارش دیگری با محوریت امامزاده زینبیه در روزنامه اصفهان به چاپ رسید. در این گزارش اگر چه هدف نویسنده شکایت از رفتار افسر راهنمایی رانندگی بود، اما ما از فحوای آن متوجه می‌شویم یک روز عاشورا در سال ۱۳۵۱ ش چقدر امامزاده مذکور مورد اقبال مردم اصفهان قرار داشت و چه جمعیت شلوغی برای رفتن به آنجا شتاب داشتند. از اینجا دانستیم که میدانی نیز در اطراف حرم ساخته شده بود به نام میدان زینبیه: «نزدیک‌های ظهر عاشورا بود که اهل بیت را توی ماشین ریختیم و راهی زینبیه شدیم. به عزم زیارتی و کسب فیضی... بگذریم که همه راه‌ها بسته بود و بعضی از رانندگان عجول و شتاب زده و خلافتار، ترافیک بسیاری از خیابان‌ها را به صورت گره کور در آورده بودند. ولی به هر حال از کوره راه‌ها و کوچه پس کوچه‌ها به خیابان سروش رسیدیم و از آنجا به خیابان زینبیه راهی یافتیم. نیم کیلومتری میدان زینبیه جوانکی که یونیفرم پلیس راه را به تن داشت، راهمان را سد کرده، با توپ و تشر و مشت‌رو کاپوت... پشت سر او در دو طرف جاده و البته خارج از آسفالت دو ردیف اتومبیل پارک کرده بودند و ما هم با اشاره به محل پارکینگ به او گفتیم قصدمان این است که در میان آن اتومبیل‌ها توقف کنیم. او گفت «آنجا قدغن است» به او گفتیم «اگر قدغن است چرا آن‌ها رفته اند؟» او گفت «از غیبت من استفاده کرده‌اند. چون من دیر آمدم همین الان رسیدم و آن‌ها زودتر از من رسیده‌اند!!» به او گفتیم «حالا چرا جریمه دیر آمدن شما را ما باید بدهیم و اصلا چرا ماشین ما باید اولین ماشینی باشد که مشمول تصمیم آنی جنابعالی

محل قبور امامزادگان و اولاد ائمه معصومان علیهم‌السلام تعیین مزار اولاد حضرت امام کاظم علیه‌السلام سفارش به زیارت امامزادگان بر اساس روایات حضرات معصومین علیهم‌السلام و تاریخ ولادت و شهادت حضرات معصومین علیهم‌السلام در چهارده بند تدوین شده است. چاپ نخست کتاب در سال ۱۳۵۲ ق در اصفهان منتشر گردید. آخرین چاپ آن تحت عنوان «گوهر نهفته» در سال ۱۳۹۷ توسط انتشارات قیامت و مهرستان در اصفهان انجام یافت.

قرار می‌گیرد؟» به هیبت مارشال رومل در خط مقدم جبهه آفریقا پاها را گشاد گذاشت و دست‌ها را به کمر زد و فریاد کشید «فضولی موقوف! دستور من این است. اگر شکایتی دارید بفرمایید این پلاک سینه من را بخوانید و هر غلطی می‌خواهید بکنید!» روی همین اصل وظیفه دار شدیم موضوع را نه به عنوان شکایت بلکه بر سبیل حکایت منعکس کنیم آن هم صرفاً از نظر استحضار اولیای ژاندامری که بخصوص برای حسن سلوک و رفتار مودبانه مأمورانشان با مردم اهمیت زیادی قائلند.» (اصفهان، ش ۲۸، ۲۸۵۸، بهمن ۱۳۵۱)



فصل نامه  
علمی  
مطالعات  
بیتاق و  
امکان  
متبرکه

## نتیجه‌گیری

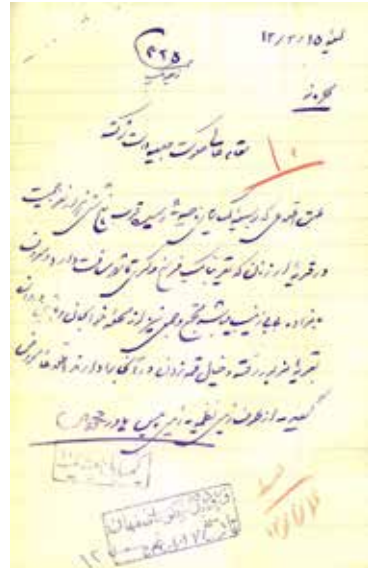
امامزاده زینب اصفهان امروزه به عنوان یکی از بزرگترین و معتبرترین امامزاده‌های اصفهان به‌شمار می‌رود و چنان‌چه اشاره شد با آن‌که دیر زمانی از اعتبار یابی این مکان نگذشته ولی از طرف مردم اصفهان به شدت مورد تکریم و احترام قرار گرفته و باعث آبادی و رونق محله ارزنان قدیمی این منطقه شده است. بیان شرح مشکلات زائران این بارگاه و چگونگی برخورد مسئولان امر از لابلای اسناد موجود در روزنامه‌های اصفهان به این مهم پی می‌بریم که این مکان از زمانی که بر سر زبان‌ها افتاد تاکنون به عنوان یکی از اقطاب گردشگری زیارت در شهر اصفهان به‌شمار می‌رفته و خیران و نیکوکاران با پشتوانه مردمی توانسته‌اند به مرور بر توسعه این حرم بیفزایند تا آن‌که امروزه به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و اهتمام بیش از پیش به بقاع متبرکه شاهد تسریع در این روند هستیم تا جایی که با اقدامات صورت گرفته فعلی، بی‌شک این مکان به بزرگترین امامزاده مرکز ایران تبدیل خواهد شد. بر اساس مندرجات سایت بنیاد خیریه آلاء « طرح توسعه این حرم مطهر در منطقه‌ای به وسعت حدود ۳۵ هکتار و با هدف محرومیت‌زدایی از این منطقه اصفهان و ایجاد یکی از بزرگترین قطب‌های فرهنگی، زیارتی استان اصفهان، جهت پاسخگویی کلیه نیازهای فرهنگی با رویکرد دینی، اقشار مختلف جامعه و زوار داخلی و خارجی در حال اجرا است. » (<https://ala.org.ir/fa>) این حرم با گسترش شهر به داخل منطقه ۱۴ شهرداری وارد شده و امروزه با وجود شبکه بزرگراهی شمال شهر که از حوالی حرم می‌گذرد و کشیده شدن خط دوم مترو که ایستگاهی در کنار آن در حال ساخت است، از نظر ارتباط با شهر اصفهان و حمل و نقل سالانه یک میلیون زائری که به آن سر می‌زنند، قدم‌های بلندی برداشته شده است.



فصل نامه علمی مطالعات و بافتار و امکان متبرکه

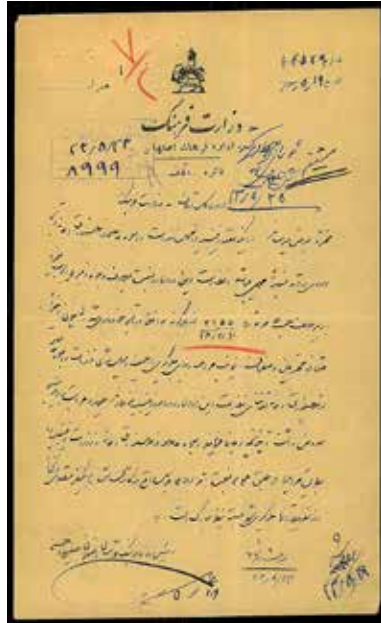


گزارش رئیس نظمیہ اصفهان به حکمران شهر راجع به پیدا شدن امامزاده در ارزنان سال ۲۱۳۱



گزارش نظمیہ اصفهان به حکمران این شهر راجع به





نامه رئیس فرهنگ اصفهان به اداره کل اوقاف تهران و  
پیشنهاد مزایده گذاشتن تصدی گیری امامزاده زینبیه  
۳۲۳۱



شکوائیه بعضی از اهالی طوقچی و جی راجع به راه  
زینبیه و مدیریت صندوق آن به شاه ۴۲۳۱

شکوائیه بعضی از اهالی طوقچی و جی راجع به راه  
زینبیه و مدیریت صندوق آن به نخست وزیر ۶۲۳۱



گزارش رئیس فرهنگ اصفهان به اداره کل اوقاف تهران  
راجع به زینبیه ۳۷۳۱

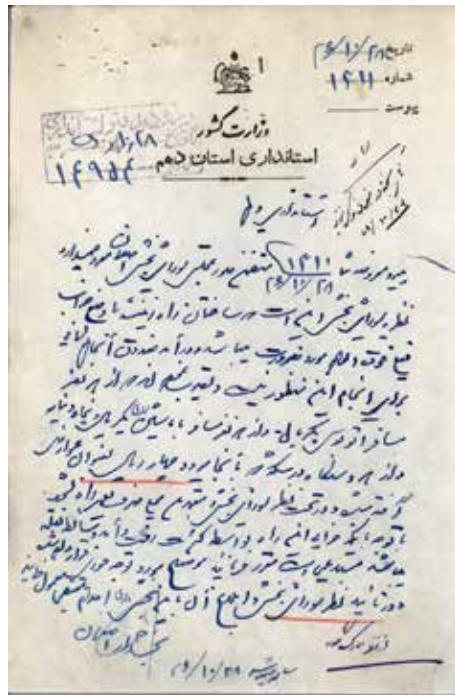
۱ سال اول

۱ شماره دو

۱ زمستان ۱۴۰۲



رونوشت صورت مجلس با حضور متصدی  
موقوفه سید نعمت الله افتخاری و اعلام عدم  
رضایت از دخالت دولت در امور موقوفه ۳۲۳۱



نامه بخشدار به استاندار اصفهان راجع به  
تصمیم شورای بخش برای گرفتن ورودیه از  
زوار ۶۲۳۱

## کتاب‌نامه

- اسناد سازمان اسناد (ساکما) به شماره‌های ۰۰۳۳۴۸ / ۲۹۱ و ۰۱۴۷۵۸ / ۲۵۰ و ۳۲۷۷ / ۲۹۳ / ۹۷ / روزنامه اخگر، محل نشر اصفهان
- روزنامه اصفهان، محل نشر اصفهان
- روزنامه نقش جهان، محل نشر اصفهان
- سیاسگزاری از مردم (۱۳۴۶) انتشارات اداره کل اوقاف منطقه اصفهان.
- سجادی، سید احمد (۱۳۸۹) «آستانه مبارکه زینبیه» وقف میراث جاویدان، بهار ۱۳۸۹ شماره ۶۹ مسعود انصاری، عبدالحسین (۱۳۷۴) **مروری بر پنجاه سال خاطرات سیاسی و اجتماعی، تهذیب و تلخیص باقر عاقلی**، تهران: علمی
- معلم حبیب آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷) **گوهر نهفته**، اصفهان: قبسات و مهرستان
- مهدوی، مصلح الدین (۱۳۹۶) **خواهر خورشید**، تصحیح و تکمیل: سید احمد سجادی، اصفهان: قبسات.
- همایی، جلال (۱۳۸۱) **تاریخ اصفهان: مجلد ابنیه و عمارات**، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: نشر هما.



فصل نامه  
علمی  
مطالعات  
بسیاسی و  
امنیتی  
متبرکه

